

✽ خدایا، تو را سپاس که زیبایی‌های آفرینش را برای ما آفریدی.  
امام سجّاد (ع)

## بخش ۳

### آموزش نشانه‌ها (۲)



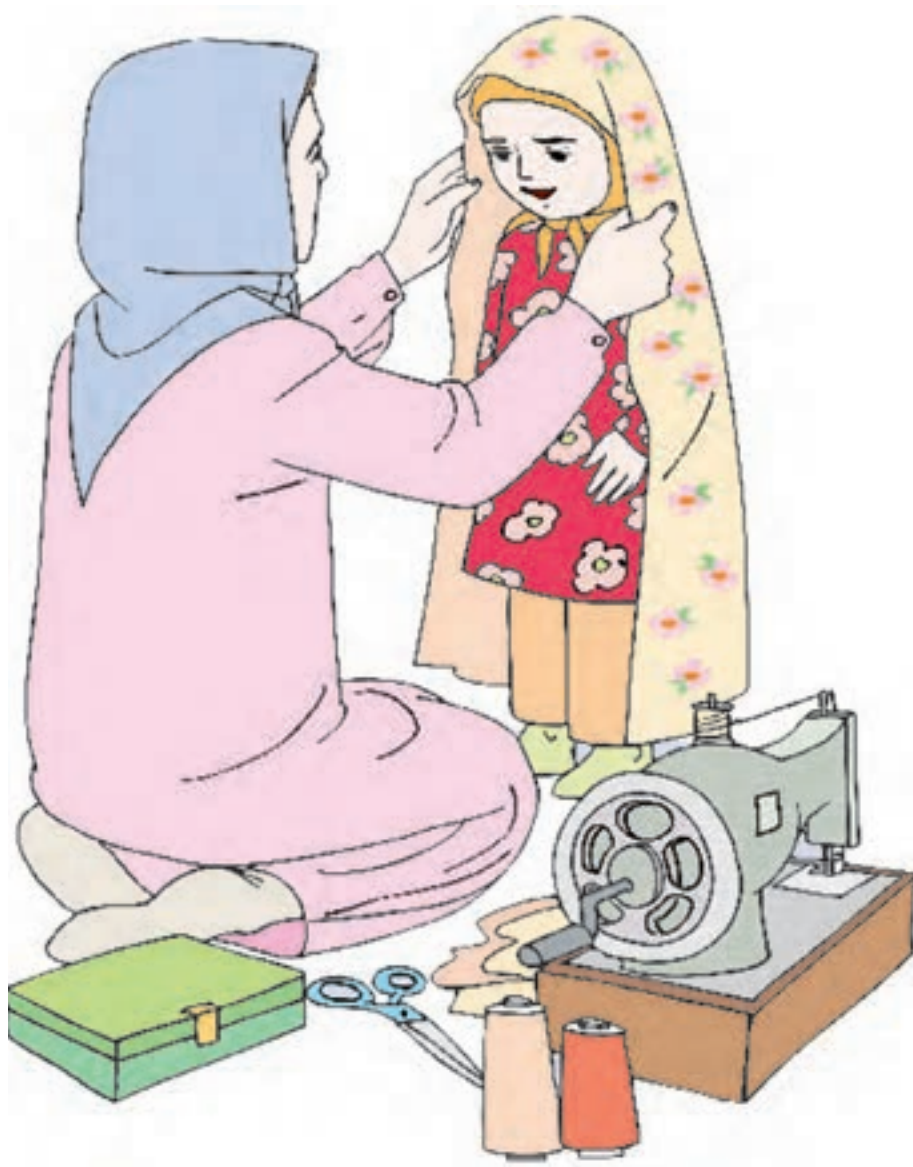
## درس ۱۶ در بازار

دیروز من و مادرم به بازار رفتیم. مادرم در راه، دکان‌ها را به من نشان می‌داد و می‌گفت: این جا نجاری است؛ نجار، پنجره، در و میز می‌سازد. این جا نانواپی است. آن جا کفّاشی است.



سپس به یک قنادی رسیدیم. مادرم از قنادی شیرینی خرید. او از فروشگاه هم پارچه‌ی گل‌دار قشنگی خرید. وقتی به خانه رسیدیم، مادرم با آن پارچه، چادر نماز زیبایی برای من دوخت. من از او خیلی تشکر کردم.

۳





### به دوستانت بگو



- چه دکان‌ها و فروشگاه‌هایی دیده‌ای؟
- از چه کسانی باید تشکر کنیم؟

### بازی



- هر یک از بچه‌ها، یکی از حروف الفبایی را که خوانده‌اند با سنجاق به پیراهن خود وصل کنند. آموزگار یا یکی از بچه‌ها کلمه‌ای، مانند «گلاب»، را می‌گوید و بچه‌ها به ترتیب کنار هم می‌ایستند تا آن کلمه درست شود.

### گوش کن و بگو



- مادر پارچه‌ی چادر نماز را از کجا خرید؟
- مادر چه جاهایی را به دخترش نشان داد؟
- مادر از کجا شیرینی خرید؟

### بگرد و پیداکن



- کلمه‌هایی را که تشدید دارند.
- چیزهایی را که پوشیدنی و خوردنی هستند.



## درس ۱۷ صدای موج

آیا تاکنون دریا را دیده‌ای؟ دریا بسیار زیبا و تماشایی است.  
آسمان صاف و آبی دریا خیلی دیدنی است. صدف‌های سفید در کنار  
دریا، این جا و آن جا دیده می‌شود. صدای موج دریا به گوش می‌رسد.  
پرندگان دریا، ماهی‌های ریز و درشت را شکار می‌کنند.  
جانورانی مانند نهنگ، کوسه، ارّه ماهی و هشت پا در دریا زندگی می‌کنند.

صد ص



## سفر دلپذیر

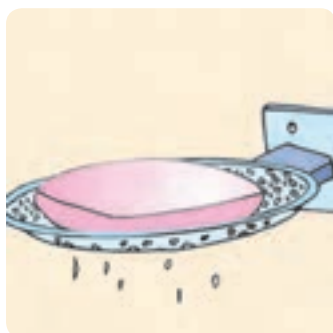
زنگ آخر بود. خانم آموزگار پرسید: «کدام یک از شما تابستان گذشته به مسافرت رفته اید؟». آذر دست بلند کرد و گفت: «اجازه؟  
تابستان گذشته با پدر، مادر و برادرم به مازندران رفتیم. از دیدن جنگل ها، چشمه ها، کوه ها و شالیزارها لذت بردیم. آن جا هوای خوب و دلپذیری داشت».

برادرم گفت:

«کاش می توانستم هرچه را که می بینم، بنویسم».  
مادرم گفت: «وقتی به مدرسه بروی، نوشتن را یاد می گیری اما تا آن زمان، هرچه را دیده ای، نقاشی کن».



ذ



### به دوستانت بگو



- در مسافرت از دیدن چه چیزهایی لذت می بردی؟
- دریا چه چیزهایی را به یادت می آورد؟

### گوش کن و بگو



- چه جانورانی در دریا زندگی می کنند؟
- آذر با چه کسانی به مازندران رفته بود؟

### بازی



- آموزگار ابتدا وسیله ای را پنهان کند. سپس یکی از بچه ها چیزی را که آموزگار پنهان کرده است، پیدا کند و نام آن را بر روی تخته بنویسد (پیدا کردن با زدن ضربه به میز و زیاد شدن ضربه در صورت نزدیک شدن به آن چیز باشد).

### بگرد و پیدا کن



- کلمه هایی را که نشانه ی «ذ» دارند.
- کلمه هایی را که نشانه ی «ص» دارند.

### کتاب خوانی



- داستان یکی از کتاب های خوبی را که تا به حال شنیده ای برای دوستانت بگو.



با هم بخوانیم



## دریا

آرام و شادابی	بسیار زیبایی
پهنای و آبی	به به، تو دریایی
من در خیال خود	با قایقی زیبا
سوی تو می آیم	سوی تو ای دریا

جعفر ابراهیمی (شاهد)



## درس ۱۸ علی و معصومه

علی و معصومه بچه‌های با آداب و پاکیزه‌ای هستند.  
آن‌ها همیشه به دیگران سلام می‌کنند.  
وقتی می‌خواهند به جایی وارد شوند، اول در می‌زنند.  
برای استفاده کردن از وسایل دیگران، از آن‌ها اجازه می‌گیرند.



وقتی مُعَلِّم درس را شروع می‌کند، خوب به آن گوش می‌دهند.  
بعد از درس، وسایل خود را جمع می‌کنند.  
بچه‌های با ادب و تمیز، پیش خدا و همه کس عزیز هستند.

ع ع ع ع



## مثل خورشید

شبِ مهتابی بود .  
من و پدرم به آسمان نگاه می کردیم .  
پدرم گفت : «تُریا جان، آیا می دانی چه چیزی باعثِ  
روشن شدنِ زمین می شود؟» .  
من چند ثانیه فکر کردم و گفتم : «نورِ ماه» .  
پدرم گفت : «آفرین دخترم ! نورِ ماه در شب، مثل نورِ  
خورشید در روز، باعثِ روشن شدنِ زمین می شود» .  
من آن شبِ مهتابی را فراموش نمی کنم .

ث ث





## بین و بگو



## به دوستان بگو



- برای این که بزرگ‌ترها را خوش حال کنی، چه کار می‌کنی؟

## گوش کن و بگو



- علی و معصومه وقتی می‌خواهند به جایی وارد شوند، چه می‌کنند؟
- چه چیزهایی باعث روشن شدن زمین می‌شود؟

## نمایش



- یکی از دانش‌آموزان معلم می‌شود، از بچه‌های کلاس پرسش‌هایی می‌کند و آن‌ها پاسخ می‌دهند.

## بگرد و پیدا کن



- کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «ع» در آن‌ها به کار رفته است.
- کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «ث» دارند.

## کتاب‌خوانی



- داستانی را که هفته‌ی پیش خوانده شد، برای دوستان تعریف کن.



## درس ۱۹ حَلَزُون

آیا حَلَزُون دیده‌ای؟ حَلَزُون‌ها بدنی نرم دارند. بیش‌تر آن‌ها، یک صدف دارند که به پشت‌شان چسبیده است. هر وقت حَلَزُون احساس ترس می‌کند، همی بدنش را داخل این صدف می‌برد. حَلَزُون خیلی آرام حرکت می‌کند و هنگام حرکت، سر و بدنش از صدف بیرون است. صُبْح‌ها اگر کنار سبزه‌ها و مزرعه‌ها قدم بزنی، تعداد زیادی حَلَزُون می‌بینی. حَلَزُون وقتی حَرِکت می‌کند، اثرش روی زمین یا هر چیز دیگر باقی می‌ماند. برای همین است که به آسانی، راه برگشتن را پیدا می‌کند، آیا می‌دانی که به حَلَزُون، «حیوانِ خانه به دوش» می‌گویند؟

ح ح





### به دوستانت بگو



- حیواناتی مانند جوجه تیغی و لاک پشت، هنگام ترس چه کار می کنند؟
- چه حیواناتی را می شناسی که مانند حلزون بدنی نرم دارند؟

### گوش کن و بگو



- بدن حلزون چگونه است؟
- وقتی حلزون می ترسد، به کجا می رود؟
- حلزون چگونه راه برگشت خود را پیدا می کند؟

### نمایش



- آموزگار دانش آموزان را به صورت گروهی تقسیم می کند و از هر گروه می خواهد که حیوان مورد علاقه ی خود را نام ببرند و در انتها، حرکت آن جانور را در کلاس نشان دهند.

### بگرد و پیدا کن



- سه کلمه را که نشانه ی «ه» داشته باشد.
- کلمه هایی را که نشانه ی «ح» داشته باشد.



با کمک آموزگار، شعر مناسبی از مجله‌ی رشد پیدا کن و با دوستان در کلاس بخوان.

[illegible]